

## تبیین سازوکار دیوان کیفری بین‌المللی برای حمایت از حقوق

### بشر<sup>۱</sup>

علیرضا رمضانی راد<sup>۲</sup>

#### چکیده:

امروزه و در هزاره سوم در دهکده جهانی تقریباً همه دول و ملل جهان با هر نظام حقوقی با ارزش والای موازین حقوق بشر آشنا شده و بر اهمیت آن صحنه گذاشته‌اند اما در عمل نسبت به رعایت موازین آن یا بی‌تفاوت هستند و یا برعکس به طور صریح یا ضمنی آن را نقض می‌کنند و با واکنش فوری جامعه بین‌المللی و وجدان افکار عمومی مواجه نمی‌شوند آن هم به این دلیل بحران‌های اقتصادی در جهان و رشد تروریسم و بیماری مرموز کرونا از اهمیت توجه ملل جهان به نقض حقوق بشر کاسته شده است با این حال این بی‌تفاوتی نسبت به همه جاری نیست و سازمان ملل متحد در این موارد به عنوان فانوس اقیانوس پرتلاطم حقوق بین‌الملل هدایت‌کننده حقوق بشر را با تاسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری ویژه و دائمی عهده‌دار است که یکی از مهمترین این دادگاه‌ها دیوان کیفری بین‌المللی است که به نقض حقوق بشر توجه کرده و از حیثیت بشری دفاع می‌کند. هدف این تحقیق نحوه حمایت دیوان کیفری بین‌المللی از موازین حقوق بشر می‌باشد و روش تحقیق توصیفی تحلیلی می‌باشد یافته‌های اصلی تحقیق ثابت می‌کند که دیوان از ابزارهای حقوقی

۱ - دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

۲ - کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

و اجرایی کافی برای حمایت موثر از حقوق بشر برخوردار نیست و رسیدگی‌ها گزینشی انجام می‌شود نه واقعی.

**واژگان کلیدی:** سازمان ملل متحد، حقوق بشر، دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت.



## مقدمه

آنتونیو کاسس رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در گزارش خود به مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ فلسفه تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی را به بهترین وجه بیان نمود با این شرح که: «حتی پس از توافق برای صلح، چگونه کینه‌هایی را که [اهالی یوگسلاوی سابق] از همسایه بر دل دارند می‌توان نادیده گرفت. تنها دادگستری بین‌المللی می‌تواند ابرهای زهرآگین خشم و کینه خواهی را بزدايد و اندیشه خونخواهی را آرام بخشد» (عنایت، ۱۳۷۵). به گواه تاریخ در طول جنگ استقلال کشور بنگلادش سربازان پاکستانی به ۲۰۰/۰۰۰ زن و دختر تجاوز جنسی کردند این اتفاق در سومالی هم افتاد همین طور در ۱۹۹۲ به ۸۸۲ زن توسط ماموران هندی در جامو و کشمیر تجاوز شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷). در سال‌های آخر قرن گذشته در رواندا نیز جنایات مشابهی اتفاق افتاد و هزاران زن قربانی تجاوز خشونت بار جنسی شدند یکی از قربانیان نقل می‌کند که «در نهم آوریل ۱۹۹۴ شبه نظامیان من را یافتند... به مدت دو روز من و هشت زن جوان دیگر یکی پس از دیگری توسط قریب ۲۰ نفر مورد تجاوز قرار گرفتیم، تمام زنان جوان پس از تجاوز به داخل رودخانه پرتاب و کشته شدند». زن دیگری توضیح می‌دهد که «حدود ۱۰ نفر از آنها آمدند آنان دو زن را از جمع برگزیده و به طور دسته جمعی مورد تجاوز قرار دادند و پس از اتمام تجاوز تمام بدن آنها را با چاقو مجروح کردند سپس غذاهای روی میز را داخل مهبل آنها نمودند هر دو زن مردند بعد آنها به ما گفتند که خانه را ترک کنیم و بچه‌ها را باقی بگذاریم. آنها دو تن از بچه‌های ما را کشتند شوهرم از آنها خواست که ما را نکشند. ما باید مردان را بکشیم تا بتوانیم زنان را تصاحب کنیم» (همان). آنچه که تلخ‌تر از همه این وقایع وحشتناک است بی‌تفاوتی نسبت به عدم رعایت و نقض صریح حقوق بین‌الملل بشر دو ستانه است که شامل شیوه‌های جنگیدن جنگجویان و حمایت الزامی از جمیع‌های غیرنظامی، بیماران، نظامیان مصدوم و مجروح و اسراء جنگی است که تابع کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حمایت از قربانیان جنگهاست و دو پروتکل آن در ۱۹۷۷ به تصویب رسید که هر دو را مدیون ICRC هستیم و این شورای امنیت است که باید با فاصله‌گیری از سیاست‌های دوگانه (سکوت یا اقدام مقتضی) دست بکار شده و به این نوع آدمخواری‌های انسانی پایان دهد که حتی حیوانات گوشتخوار و گربه‌های بزرگ نیز با هموعان خود چنین رفتاری را انجام نمی‌دهند و تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یکی از مهمترین

تدابیر تاثیرگذار در این زمینه است زیرا جناباتی که در روند، سیرالئون، برمه، بوسنی، عراق دوران داعش و طالبان و القاعده و یوگسلاوی سابق اتفاق افتاد همگی منطبق با کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی م صوب ۱۹۴۸ است که م شمول مرور زمان قرار نمی‌گیرند به استناد کنوانسیون عدم امکان استفاده از مقررات مرور و زمان در مورد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت ۱۹۴۸ که باید به سرعت نسبت به شنا سایی، دستگیری، استرداد، محاکمه و مجازات جنایتکاران این اعمال زشت و کثیف و خون‌آلود اقدام کرد که خوشبختانه در کسوت دیوان کیفری بین‌المللی این آرمان برآورده شد (سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸). خاستگاه تشکیل دیوان مزبور برای مجازات جنایات علیه بشریت کنوانسیون ۱۹۴۸ ممنوعیت کشتار جمعی است که هزاران مورد قتل عام را در کامبوج، برمه، یوگسلاوی و رواندا شاهد بود که در ۱۹۹۸ اساسنامه‌اش به تصویب رسید برای تعقیب جنایتکاران جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایات جنگی از جمله رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته در دارفور سودان یکی از این پرونده‌ها بود (همان). شنیدن این مطلب که بعد از پایان جنگ جهانی دوم با میلیون‌ها کشته، نزدیک به ۲۵۰ جنگ تمام عیار اتفاق افتاده و ۱۷۰ میلیون نفر کشته شده‌اند بسیار دلهره‌آور و نگران کننده است و جنایات از هر نوع جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی بوقوع پیوسته است بویژه این آخری که بیش از همه رخ داده است و عملاً بسیاری از جنگ افروزان آدمخوار از محاکمه و مجازات به دلیل بی‌تفاوتی برخی از دولت‌های کوچک و بزرگ در امان بوده‌اند و قول دادن‌ها به همکاری فقط در حد یک تعهد کاغذی بین‌المللی بوده و نه به صورت واقعی از همکاری در زمینه شناسایی، دستگیری، محاکمه و مجازات آنها خبری نیست گویا که عفو عمومی نانوشته شامل آنها شده است (ابراهیمی، ۱۳۷۸). با این وضع بحرانی افزایش جمعیت جهان و محدود بودن امکانات زندگی به طور قطع در آینده تعداد جنایات و خشونت‌ها بسیار زیاده‌تر از امروز خواهد شد و نظام کیفری مقتدری نیاز داریم تا به این خشونت‌ها پایان دهد (پاکدامن، ۱۳۷۸). اصولاً یکی از آرزوهای قدیمی بشریت مبارزه با بی‌کیفری و مجازات است که مرتکب جرائم و جنایات باور نکردنی نسبت به غیرنظامی‌ها می‌گردند و جا دارد که با آنها مقابله شود (موثقی، ۱۳۸۹).

## ۱- آشنایی با دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن

آنچه که در مورد بزرگترین دادگاه کیفری جهان باید گفت آن است که برای جلوگیری از بی‌کیفر ماندن تبهکاران بین‌المللی تشکیل شده و از کارکرد و ویژگی‌های خاصی برخوردار است از جمله اینکه:

۱- یک دادگاه بین‌المللی است ۲- یک نهاد قضائی با اعتبار دائمی است ۳- متکی به اراده دولتهاست ۴- صلاحیت رسیدگی به نقض حقوقی بنیادینی چون ژنوساید، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی را دارد. ۵- به جنایات ارتكابی از اول ژوئیه ۲۰۰۲ رسیدگی می‌کند. ۶- اساسنامه دیوان از یک دیباچه مفصل، ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده تشکیل شده است. ۷- صلاحیت دیوان تکمیلی است اولویت رسیدگی با دادگاه‌های محلی و ملی محل وقوع جنایات است بر اساس اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری. ۸- حق ارجاع قضیه به دیوان مداخله یکی از سه مقام شورای امنیت، دولت عضو و دادستان دیوان است. ۹- موازین حقوق بشر در مورد همه متهمین رعایت می‌گردد. ۱۰- مقر دیوان لاهه هلند است. ۱۱- ارکان دیوان عبارتند از: بخش‌های مقدماتی دیوان، بخش‌های بدوی دیوان، بخش تجدیدنظر، دفتر دادستانی و دبیرخانه. ۱۲- قضات توسط مجمع دول عضو برای ۹ سال انتخاب می‌شوند که قابل تجدید نیست. ۱۳- تخصص آنها حقوق جزا، آئین دادرسی کیفری، حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر با تجارب حقوقی است (اردبیلی، ۱۳۸۳). ۱۴- محرک اصلی تشکیل دیوان جنایات اتفاق افتاده در یوگسلاوی سابق و رواندا بود. ۱۵- دیوان یک نهاد قضایی مستقل است. ۱۶- دیوان از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار است. ۱۷- از ارگان‌های تابعه سازمان ملل متحد نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷). بدون شک یکی از مهمترین ارزش‌های مورد حمایت جامعه باید موازین حقوق بشر باشد زیرا تکرار آن بدون واکنش حقوق و قانون ضمن توهین به دیگر انسان‌ها موجب تخریب بی‌شتر مرتکب در ارتکاب جرائم بزرگتر است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳). بنابراین همانطور که برخی از علمای حقوق اعلام کرده‌اند تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری موقت و دائمی در واقع به نوعی بین‌المللی کردن بازخواست ایشان به خاطر اعمال شنیعی است که به ساحت بشریت روا داشته‌اند که ضمن آنکه یک عمل اخلاقی است عملی حقوقی نیز محسوب می‌گردد. در اینجا یک اجماعی از اراده مشترک کشورها در قالب یک حقوق جزای بین‌الملل و در کسوت یک دادگاه کیفری جهانی شکل می‌گیرد تا به مقابله با این رفتارهای

ناشایست پردازد و این ارزش‌ها چون از اعتبار جهانی برخوردارند واکنش موافق جهانی را می‌طلبند در این صورت است که می‌توان با کیفر دادن تبهکاران ضدبشری مانع سقوط تمدن شد. مقابله با بردگی از سوی بشریت به صورت اجماع باعث لغو آن در همه قاره‌ها شد زیرا همه قبول دارند که حقوق بشر جزو موازین حقوق بین‌الملل و هنجارهای برتر از اراده دولتهاست که رعایت آن یک تعهد عام الشمول بوده و وفق ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد برای همه کشورها لازم‌الرعایه است. (همان). نکته بارز تلاش‌های موسسین دیوان کیفری بین‌المللی توجه همزمان به چهار مبحث از مباحث حقوق کیفری است که عبارتند از:

#### ۱- حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲- رویه جزائی ۳- استرداد مجرمین ۴- حقوق بشر

در عین حال دیوان نمی‌تواند خود را از تاثیر فشارهای سیاسی و منشور سازمان ملل متحد و شورای امنیت رها سازد و دائماً در مورد کسانیکه باید تحت پیگرد قرار بگیرند تحت فشار است (ارسنجانی، ۱۳۷۸). مواد ۱۶ اساسنامه دیوان این موضوع را پیش‌بینی کرده که شورای امنیت چه سيطره‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی دارد آنجا که مقرر می‌دارد «پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد، این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد» (آل حبیب، ۱۳۷۸).

#### ۲- جنایت نسل‌کشی: خط قرمز دیوان کیفری بین‌المللی

در طول تاریخ برخی از اعمال آن چنان مطرود و قابل سرزنش کیفری است که تقریباً همه ملل جهان آن را عملی مذموم تلقی کرده و محکوم می‌نمایند یکی از این اعمال زشت بدون شک جنایت نسل‌کشی است که آل حبیب در کتاب خود به تشریح مفهوم آن مبادرت ورزیده است. «منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد.

الف: قتل اعضای یک گروه؛ ب: ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه ج: قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تنا سل یک گروه صورت گیرد. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر (آل حبیب، ۱۳۷۸).

این اصطلاح در سال ۱۹۹۳ توسط رافائل لمکین برای اولین بار مطرح شد و یادآور جنایاتی بود که هدف عمده‌اش از بین بردن یک جمعیت نژادی، مذهبی و اجتماعی است که قطعاً علم حقوق بین‌الملل آن را جنایت شناخته است که در سال ۱۹۴۸ کنوانسیون جلوگیری و سرکوب جنایت نسل‌کشی به تصویب رسید که تدوین و تصویب آن تحولی بزرگ در حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد (بیگزاده، ۱۳۷۸). این جنایت یادآور ارتکاب اعمالی است که از نظر حقوق بین‌الملل منع شده و ارتکاب آنها قطعاً با قصد و اراده قبلی مرتکب یا مرتکبین انجام می‌یابد و امکان ندارد که در نتیجه یک واقعه یا حادثه پیش آید و در عین حال ماهیتاً ارتکاب این جنایات مساوی است با انکار حیات یک گروه انسانی (همان).

تاریخ مملو است از ارتکاب نسل‌کشی در مورد گروه‌های مختلف از جمله:

- ۱- نسل‌کشی‌های یهودیان در طول حکومت ظالمانه نازیسم و رایش سوم از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵
- ۲- نسل‌کشی افراد بالوبا توسط ارتش ملی کنگو ۳- قتل عام هوتو در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۲ در کشور بوروندی
- ۴- قتل عام مردم بنگلادش در ۱۹۷۱ ۵- قتل عام سرخپوستان آشه در پاراگوئه در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۰ ۶- قتل عام غیرنظامیان در اوگاندا در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۱. ۷- قتل عام در کامبوج توسط خمرهای سرخ در ۱۹۷۸ و ۱۹۷۵ ۸- قتل عام سرخپوستان در برزیل در طول یک دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۶۰ ۹- قتل عام ۱۹۷۸ در گینه استوایی. ۱۰- در ۱۹۸۲ قتل عام فلسطینیان در صبرا و شتیلا. ۱۱- در ۱۹۸۸-۱۹۸۶ در سریلانکا ۱۲- قتل عام هوتوها در ۱۹۸۸ در بوروندی
- ۱۳- قتل عام ۱۹۸۸ کردها توسط ارتش صدام (اردبیلی، ۱۳۸۳). اصولاً مطابق کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنوساید ۱۹۴۸ ارتکاب آن فقط محدود به دوران صلح نیست بلکه در زمان جنگ نیز می‌تواند اتفاق بیفتد که مرتکبین آن قابل محاکمه و مجازات هستند. با توجه به اینکه این کنوانسیون از نظر ماهیت حقوقی وصف حقوق بین‌الملل عرفی یافته است فلذا هیچ

کشوری حق ندارد به آن حق شرط وارد کند یا این کنوانسیون را با حق شرط معافیت از برخی از مواد آن بپذیرد. بنابراین برای تحقق جنایت ژنوساید تحقق سه شرط ضروری است که عبارتند از:

۱- تعاریف بعمل آمده از نسل‌کشی حصری است نه تمثیلی که در این موارد نیز مفاد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها رعایت گردد. این عمل صرفاً بر جنایات فیزیکی است که با از بین بردن انسان‌ها توأم است. ۲- جنایات ارتکاب یافته در مورد انسان‌ها انجام شود بویژه که یک جمعیت قابل توجهی نیز باشد. ۳- با سبق تصمیم توأم باشد به این ترتیب که با هدف محروم کردن انسان‌ها از حیات صورت بگیرد (صادقیان، ۱۳۷۸). هدف مرتکبین از این کشتارها صرفاً یک قتل ساده نیست بلکه از بین بردن یک گروه خاص است با سوء نیت و احراز قصد مجرمانه که با ورود صدمه شدید به آنها توأم است (میرحجازی، ۱۳۷۸). از نظر تاریخی تا سال‌های قبل جنایت نسل‌کشی از مصادیق بارز جنایات علیه بشریت محسوب می‌شد همانطور که بند C ماده ۶ منشور لندن که مبنای حقوقی تشکیل دادگاه نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران نازی آلمانی بود اعلام کرده و یا منشور توکیو که به محاکمه سران سیاسی و نظامی امپراطوری ژاپن آغازگر جنگ جهانی دوم بر علیه آمریکا بود پرداخت که به نسل‌کشی اشاره نکردند اما به جنایات علیه بشریت پرداخته بودند که طی ارتکاب این جنایت یهودیان و برخی دیگر از گروه‌های نژادی و مذهبی تحت آزار و اذیت قرار گرفته و سپس قتل عام شدند. اما در جریان پنجمین کنفرانس بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق جزا در ۱۹۳۳ این اصطلاح وارد کتب حقوقی حقوق جزا و حقوق بین‌الملل شد و بلافاصله در سال ۱۹۴۶ یک سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم مجمع عمومی اعلام کرد که: نسل‌کشی یک جنایتی است که حقوق بین‌الملل و همه ملل متمدن جهان آن را نفرین می‌کنند و از آن بیزارند و گفته شده که نسل‌کشی عملاً محدود به دوران جنگ نیست بلکه در زمان صلح نیز امکان انجام آن وجود دارد و می‌تواند در هر زمانی و هر کشوری رخ دهد و برای افراد مرتکب و دولت‌هایشان نیز مسئولیت‌آور است و این جرم کاملاً متمایز از جنایت علیه بشریت می‌باشد و در کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸ صحبتی از موارد ذیل نشده است:

۱- گروه‌های سیاسی ۲- گروه‌های اجتماعی ۳- گروه‌های اقتصادی ۴- گروه‌های فرهنگی  
 ۵- گروه‌های ملی ۶- گروه‌های قومی ۷- گروه‌های نژادی ۸- گروه‌های مذهبی ۹- ناقص بودن مکانیسم کنوانسیون ۱۹۴۸ (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷).



### ۳- جنایات ضدبشریت و تهدیدات حقوق بشری آن

مدتهاست که جامعه بین‌المللی مصمم شده که با جنایتکاران بین‌المللی سازمان یافته در هر شکلی مبارزه کند و به بی‌کیفر ماندن آنها پایان دهد. به همین جهت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به تصویب رسیده است که طی ماده ۵ اساسنامه این جنایات را برشمرده و در ماده ۷ به جنایات ضدبشریت پرداخته است به این ترتیب منظور از جنایات ضدبشریت عبارتند از: «۱- منظور از جنایات ضدبشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است:

هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و یا علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد.

الف: قتل؛ ب: ریشه‌کن کردن؛ ج: به بردگی گرفتن؛ د: تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛ هـ: حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛ و: شکنجه؛ ز: تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحش‌ای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ ح: تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است؛ ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ ی: جنایت تبعیض نژادی؛ ک: اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمدتاً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد. ۲- منظور از (تعبیرات به کار رفته در بند ۱ این ماده)

الف: حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی: رفتاری است مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب با پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد. ب: ریشه‌کن کردن: شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود. ج: به بردگی گرفتن: یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین

اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان. د: تبعید یا کوچ اجباری: یعنی جابه‌جا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقه‌ای که قانوناً در آنجا حضور دارند. بدون مجوزی بر اساس حقوق بین‌الملل. ه: حاملگی اجباری: یعنی حبس کردن غیرقانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تاثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقص‌های فاحش حقوق بین‌الملل. این تعریف به هیچ‌وجه نباید طوری تفسیر شود که بر قانون ملی (داخلی کشور) مربوط به حاملگی تاثیر بگذارد. ز: تعقیب و آزار مداوم: یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه. ح: جنایت تبعیض نژادی: یعنی ارتکاب اعمال غیرانسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱ از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروه‌های نژادی دیگر و ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم. ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص: یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی.

۳- در این اساسنامه منظور از اصطلاح جنسیت مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می‌شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنای فوق دلالت نخواهد کرد (آل حبیب، ۱۳۷۸).

برخی از علمای حقوق بین‌الملل مصادیق اعمالی را که جنایت ضدبشریت محسوب می‌گردند را به شرح زیر برشمرده‌اند:

- ۱- برده ساختن انسان‌ها ۲- ژنوساید ۳- راهزنی دریایی در دریاهای آزاد ۴- هواپیماربایی و اختلال در امنیت هوایی ۵- تروریسم ۶- آپارتاید ۷- قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان ۸- جنایات علیه افراد تحت حمایت حقوق بین‌الملل مانند دیپلمات‌ها ۹- شکنجه ۱۰- آلوده ساختن محیط زیست هوا ۱۱- آلوده ساختن محیط زیست دریایی (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳). جنایات بسیاری

در طول تاریخ علیه بشریت رخ داده است و تاریخ گویای تکرار آن در قرن‌های مختلف است که عملی خلاف عدالت تلقی می‌شود که در موارد ذیل به آن اشاره شده است:

۱- اساسنامه دادگاه نورمبرگ ۲- اساسنامه دادگاه توکیو ۳- قانون شورای کنترل ۴- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ۵- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا ۶- پیش‌نویس ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد قواعد مربوط به جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶ (بیگزاده، ۱۳۷۸). به طور خلاصه گفته شده که هر کدام از اعمال ذیل که طی انجام یک یورش گسترده و یا سازمان یافته بر علیه یک جمعیت غیرنظامی و یا با علم به آن واقع شود تشکیل دهنده جنایات ضدبشریت است: ۱- کشتن دیگر انسان‌ها ۲- برده ساختن انسان‌ها ۳- تبعید یا کوچ اجباری بدون حکم قضایی و خودسرانه ۴- توقیب غیرقانونی ۵- تجاوز جنسی ۶- برده ساختن جنسی ۷- فحشای اجباری ۸- حامله ساختن بدون رضایت ۹- عقیم‌سازی اجباری که بسیاری از این وحشی‌گری‌ها در طول سال‌های گذشته در بوسنی و افغانستان اتفاق افتاده است (میرحجازی، ۱۳۷۸). به نظر می‌رسد که هدف همه مقررات حقوقی چه حقوق بین‌الملل و چه حقوق داخلی صرفاً حمایت از حقوق انسان‌هاست که با جنایاتی مانند جنایت علیه بشریت به خطر افتاده و باید با موازین حقوق جزا و حقوق بین‌الملل جلو آن را گرفت (صادقیان، ۱۳۷۸).

#### ۴- جنایات جنگی و پیامدهای حقوق بشری ناگوار آن

قبل از توضیح راجع به جنایات جنگی لازم است که در خصوص منابع حقوق جنگ مطالبی را بیاوریم تا معلوم شود که نقض آنها می‌تواند موجب وقوع جنایات جنگی تلقی گردد:

۱- اعلامیه پاریس ۱۸۵۶ ۲- عهدنامه ژنو ۱۸۶۴ ۳- اعلامیه سن‌پترزبورگ ۱۸۶۸ ۴- اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل ۱۸۷۴ ۵- عهدنامه لاهه ۱۸۹۹ ۶- عهدنامه لاهه ۱۹۰۴ ۷- عهدنامه ۱۹۰۶ ۸- عهدنامه‌های لاهه ۱۹۰۷ ۹- عهدنامه واشینگتن ۱۹۲۲ ۱۰- پروتکل ژنو ۱۹۲۵ ۱۱- عهدنامه ۱۹۲۹ ۱۲- پروتکل لندن ۱۹۳۰ ۱۳- قرارداد ۱۹۳۵ ۱۴- پروتکل لندن ۱۹۳۶ ۱۵- عهدنامه‌های ژنو ۱۹۴۹ ۱۶- قرارداد لاهه ۱۹۵۴ ۱۷- پروتکل‌های ژنو ۱۹۷۷ ۱۸-

قرارداد ۱۹۷۷ ۱۹- عهدنامه ۱۹۸۱ ۲۰- معاهدات راجع ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۷).

همانطور که ماده ۸ اسانامه دیوان مقرر داشته است ارتکاب برخی از اعمال موجب تحقق جنایات جنگی است بدین وصف ماده ۸ مقرر می‌دارد که: ماده ۸: جنایات جنگی: ۱- دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گستره چنین جرائمی صورت گرفته باشد.

۲- منظور از جنایات جنگی در این اسانامه موارد ذیل است:

الف: نقص‌های فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارائی‌هایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته‌اند: ۱- کشتار عمدی؛ ۲- شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی؛ ۳- فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ ۴- تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ ۵- اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت (کنوانسیون) به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛ ۶- محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛ ۷- تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس قانونی؛ ۸- گروگان‌گیری.

ب: دیگر نقص‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل: ۱- هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیرنظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند؛ ۲- هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیرنظامی؛ ۳- هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تاسیسات، مواد، واحدها، یا وسایل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند، مادام که آنها از حمایتی برخوردارند که به غیر نظامیان یا اهداف غیرنظامی به موجب حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه داده شده است؛ ۴- انجام عمدی حمله‌ای با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده درازمدت و شاید به محیط زیست خواهد شد و

آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است؛

۵- حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله‌ای که باشد؛ ۶- کشتن یا زخمی کردن رزمنده‌ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله‌ای یا برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است؛ ۷- سوء استفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم نشان‌ها و لباس‌های متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخصه کنوانسیون‌های ژنو به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص شود؛ ۸- اقدام دولت اشغالگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی‌اش به سرزمینی که اشغال می‌کند یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از سرزمین؛ ۹- هدایت عمده حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر آن که آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند؛ ۱۰- در معرض نقض بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا علمی قرار دادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه می‌کند و نه در جهت منفعت وی صورت می‌گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می‌شود؛ ۱۱- خائنانه کشتن یا زخمی کردن افرادی که به دولت یا ارتش دشمن تعلق دارند؛ ۱۲- اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد (احدی در قید حیات نخواهد ماند)؛ ۱۳- تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورت‌های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ ۱۴- اعلان این مطلب که حقوق و دعاوی اتباع طرف دشمن در هر دادگاهی منسوخ معلق یا غیرقابل قبول است؛ ۱۵- اجبار اتباع طرف دشمن به شرکت در عملیات جنگی بر ضد کشور خود هر چند آنها پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده‌اند؛ ۱۶- غارت شهر یا محلی‌گر چه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ۱۷- به کاربردن سم یا سلاح‌های سمی؛ ۱۸- استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه؛ ۱۹- استفاده از گلوله‌هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می‌شود. مانند گلوله‌هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی‌پوشاند یا آن که شکاف‌هایی روی پوسته ایجاد شده است؛ ۲۰- به کار بردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب‌رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم می‌شوند یا آنکه ذاتاً بدون تمیز و تفکیک [اهداف] و

مغایر حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آنکه این سلاح‌ها موضوع منع جامع بوده و از طریق ا صلاحیه‌ای مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شود؛ ۲۱- تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز؛ ۲۲- ارتکاب تجاوز [جنسی] برده‌گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری، آنچه‌ان که در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقص فاحش کنوانسیون‌های ژنو می‌شود؛ ۲۳- بهره‌برداری از حضور اشخاص غیرنظامی یا دیگر اشخاص برخوردار از حمایت به منظور مصون نگاه داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معین از عملیات نظامی؛ ۲۴- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌ها، مواد، واحدها، و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشان‌های مشخصه کنوانسیون‌های ژنو را مطابق حقوق بین‌الملل به کار می‌برند؛ ۲۵- تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است. از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو؛ ۲۶- بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛

ج: در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیر بین‌المللی نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو یعنی هر یک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی که هیچ‌گونه شرکت فعالی در کارهای جنگی ندارند از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاح‌هایشان را زمین گذاشته‌اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند؛ ۱- خشونت بر ضد جسم و جان به ویژه قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛ ۲- تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیرکننده؛ ۳- گروگان‌گیری؛ ۴- صادر کردن احکام و اجرای مجازات‌های اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمین‌های قضائی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است، تامین نمایند؛

د: بند ۲ (ج) بر منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی منطبق است و بنابراین شامل حالت‌های آشوب‌ها و تنش‌های داخلی همچون شورش‌ها و اعمال خشونت‌آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی‌شود.

ه: دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیربین‌المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل یعنی هر یک از اعمال زیر: ۱- هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیرنظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند؛ ۲- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌ها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که از نشان‌های مشخصه مذکور در کنوانسیون‌های ژنو مطابق حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند؛ ۳- هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تاسیسات، مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند، مادام که آنها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که به موجب حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی داده شده است؛ ۴- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و [نیز بر ضد] آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر آنکه آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند؛ ۵- غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ۶- ارتکاب تجاوز [جنسی] برده‌گیری جنسی، اجبار به فحاشی جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است. عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقص فاحش کنوانسیون‌های ژنو می‌شود؛ ۷- بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛ ۸- صدور دستور جابجایی اهالی غیرنظامی به دلایل مربوط به نزاع مگر آن که امنیت غیرنظامیان مورد نظر یا دلایل الزام‌آور نظامی چنین اقتضا کند؛ ۹- خائنانه کشتن یا زخمی کردن رزمنده دشمن؛ ۱۰- اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد [احدی در قید حیات نخواهد ماند]؛ ۱۱- در معرض نقص بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا عملی قراردادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند به طوری که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه می‌کند و نه در جهت منفعت وی صورت می‌گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می‌شود؛ ۱۲- تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورت‌های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛

و: بند ۲(هـ) بر منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی قابل اجرا است و بنابراین شامل حالت‌های آشوب‌ها و تنش‌های داخلی همچون شورش‌ها و اعمال خشونت‌آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی‌شود. [مقررات] این بند در مورد منازعات مسلحانه‌ای قابل اجرا است که در قلمرو دولتی اتفاق می‌افتد که منازعه مسلحانه طولانی مدتی میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان یافته و یا میان چنین گروه‌هایی وجود دارد. ۳- هیچیک از مطالب بندهای ۲ (ج) و (د) تاثیری بر مسئولیت حکومت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظام در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت قلمرو دولت با تمام وسایل قانونی نخواهد گذاشت (آل حبیب، ۱۳۷۸).

در همه موارد گفته شده این حقوق بشر است که نقض می‌شود و وظیفه دیوان کیفری بین‌المللی مقابله با آن است چه در زمان صلح باشد و چه در زمان جنگ با این حال جنایات جنگی نیز در دو بستر اتفاق می‌افتند که عبارتند از: ۱- در جنگ‌های بین‌المللی ۲- در جنگ‌های داخلی که در همه موارد می‌توان اثری از عرف بین‌المللی را مشاهده کرد که با نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ شروع می‌شود. حوزه عملکردی جنایت جنگی باید هم وسیع باشد و هم در چهارچوب یک سیاست نهایی اتفاق بیفتد. علاوه بر آن اشخاص مرتکب این نوع جنایت بر مبنای اصلی صلاحیت جهانی همه جا می‌توانند تحت تعقیب قرار بگیرند و کشورها مکلفند حتی بدون ورود صدمه مستقیم به دولت‌ها، با این تبهکاران مقابله کنند بدین ترتیب در صورت نقض حقوق عرفی راجع به جنگ و حقوق مخاصمات مسلحانه نیز این جنایت واقع شده محسوب می‌گردد زیرا هیچ تفکیکی میان نظامیان با غیرنظامیان رعایت نشده است و حتی ضرورت نظامی نیز در بین نیست (ممتاز، ۱۳۷۸). ویژگی‌های بارز جنایات جنگی به نوعی قابل سرزنش است که با استمساک از اصل صلاحیت جهانی می‌توان مهمترین را هر جا یافته دستگیر، محاکمه و مجازات نمود چرا که این افراد دشمن تمامی بشریت محسوب می‌گردند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷).

## ۵- نقش دیوان کیفری بین‌المللی در جلوگیری از بی‌کیفرمانی

باید توجه داشت که صرف وجود مصونیت مرتکبین جنایات تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۵ اساسنامه دیوان نه عذر قانونی محسوب می‌گردد و نه می‌تواند عاملی برای کاهش مجازات باشد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷). دیوان کیفری بین‌المللی با پیش‌بینی ماده ۲۷ به جنگ



بی‌کیفر مانی رفته است آنجا که مقرر می‌دارد: «عدم تاثیر سمت رسمی افراد [در صلاحیت دیوان] ۱- این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون تبعیض اجرا خواهد شد. به طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی، یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد همچنان که وجود سمت‌های مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. ۲- مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید (آل حبیب، ۱۳۷۸). موضوع جلوگیری از بی‌کیفری مسبوق به سابقه است به طوریکه بعد از پایان جنگ جهانی دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۱/۹۵ در ۱۹۴۶ تصویب کرد که بر محاکمه سران آلمان نازی صحنه گذاشت و آنها مشمول عفو یا مصونیت قرار نگرفتند (رنجبریان، ۱۳۸۷). با این حال در بسیاری از کشورها و حتی خود دیوان کیفری بین‌المللی گاهی اوقات اراده سیاسی کافی برای تعقیب متهمان جنایات ژنوساید، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت وجود ندارد و همین موضوع فرار از کیفر را برای متهمان تسهیل می‌کند (زمانی، ۱۳۸۷).

## یافته‌های اصلی تحقیق

یافته‌های پژوهش ثابت می‌کند که علی‌رغم تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و جدی گرفتن موضوع محاکمه، استرداد و مجازات جنایتکاران بین‌المللی هنوز هم نسل‌کشی‌ها رخ می‌دهد هنوز هم شاهد نقض حقوق بشر در بسیاری از سرزمین‌ها هستیم.

## نتیجه‌گیری

در برخی از نقاط جهان حقوق بشر به صورت‌های مختلف نقض می‌گردد و علی‌رغم واکنش و اعتراض ملل جهان به آن این روند هنوز هم ادامه دارد به طوری که گویا برخی از انسان‌ها حق زندگی ندارند و بخاطر قضاوت ظالمانه برخی از دولت‌ها و گروه‌های اقتدارگرا مرگ سرنوشت محتوم برخی از انسان‌هاست. متأسفانه دیوان کیفری بین‌المللی ابزارهای کافی برای مقابله با خشونت علیه حقوق بشر ندارد صلاحیت دیوان جنبه تکمیلی دارد نه اصلی و ذاتی و اساساً هر نوع

رسیدگی منوط به عضویت کشورهاست و یا نظر مساعد شورای امنیت و یا دادستان دیوان از طرفی بسیاری از کشورها از همکاری با دیوان اجتناب می‌کنند و کمبود بودجه و مشکل همیشگی کمبود مدارک و شواهد همیشه از موانع تحقق آرزوهای دیوان کیفری بین‌المللی در مجازات آدمخواران و جنایتکاران بین‌المللی است که کشتن و شکنجه انسان‌ها را به تفریح خود مبدل ساخته‌اند.

## منابع

ابراهیمی، سید احمد. (۱۳۷۸). «درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، در کتاب *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران* به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل کیفری* گزیده مقالات ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

ارسنجانی، محمد. (۱۳۷۸). «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم» در کتاب *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

آل حبیب، احمد. (۱۳۷۸). *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

بیگزاده، ابوالفضل. (۱۳۷۸). «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایت بر ضد بشریت» در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» در کتاب *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

بیگزاده، ابوالفضل. (۱۳۸۷). موانع امحای بی کیفری، در کتاب مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

پاکدامن، رضا. (۱۳۷۸). «بررسی ضمانت اجراهای اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی» در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. حسینی‌نژاد، حسن. (۱۳۷۳). حقوق کیفری بین‌الملل. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

رنجبریان، احمدعلی. (۱۳۸۷). مبارزه با بی کیفری در سرزمین‌های تحت اداره سازمان ملل متحد، در کتاب مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

زمانی، سید قادر. (۱۳۸۷). «صلاحیت جهانی و بی کیفری» در کتاب مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، (۱۳۸۸). سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ترجمه ع ایثاری کسمایی، چاپ اول، تهران: آباروت.

صادقیان، وحید. (۱۳۷۸). «مروری بر جرائم تحت صلاحیت دیوان دائمی کیفری بین‌المللی، در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۹۷). حقوق جنگ حقوق بین‌الملل منحصمات مسلحانه، چاپ پنجم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

عنایت، سید حمید. (۱۳۷۵). «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره یک، ص ۱۱۹-۱۳۵.

ممتاز، جمشید. (۱۳۷۸). «صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در محاکمه افراد متهم به ارتکاب جنایت جنگی با تاکید بر آثار الحاقی یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به اسانامه دیوان» در کتاب *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

موثقی، حمید. (۱۳۸۹). *حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و قانون*، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

میرحجازی، سید احمد. (۱۳۷۸). «قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران و اسانامه دیوان کیفری بین‌المللی»، در کتاب *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران*، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۷). *حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، نشر میزان.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۷). *دادگاه کیفری بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات دادگستر.